انهدام باند قاپ‌زنان خیابانی در طرح مهار

اخبار کوتاه

مأموران کلانتری امام رضا(ع) در اجرای طرح مهار با محوریت ارتقاء امنیت اجتماعی در حوزه استحفاظی خود به فردی مشکوک شده و او را متوقف کردند. در بازرسی بدنی از این مرد جوان یک دستگاه گوشی تلفن همراه کشف و مشخص شد سرقتی است.

متهم پس از انتقال به کلانتری ۱۲ مشهد مدعی شد گوشی مورد نظر را اواخر سال پیش در منطقه هاشمیه مشهد با همدستی دوستش از فردی سرقت کرده‌اند. در تحقیقات این پرونده نیز مشخص شد که یک هفته قبل همدست این قاپ‌زن دستگیر شده و اکنون در زندان است. در ادامه پیگیری‌های این پرونده یک مال‌خر اموال مسروقه که با این گروه دو نفره همکاری می‌کرد نیز دستگیر شد. پرونده این سارق حرفه‌ای که ۶ سابقه کیفری دارد و پرونده مال‌خر اموال مسروقه به دادسرا منتقل شد و تحقیقات پلیس برای کشف دیگر جرائم احتمالی از این باند دو نفره سرقت ادامه دارد.

دادستان جنایی

اختاپوس در آکواریم تنگ
(قسمت سوم)

ایلیا موسایی

-۱۶

پرده اول

درست یادت نمی‌آید که جایی دیده بودی - شاید توی یک فیلم - یا تخیل خودت بوده؛ یک هشت‌پا که در آکواریوم کوچکی رشد می‌کند و بزرگ‌تر می‌شود. کار به جایی می‌رسد که هشت دستِ چسبناک از دیواره‌های شیشه‌ای بالا می‌آیند و بیرون از آن آرام می‌جنبند. کله بیضی شکل بزرگی که آبله دارد و از میان جنبش دست‌ها می‌توان آن چشم‌ها را دید...

این یکی را کشانده‌ای توی زیرزمین. از راه‌پله‌های خشتی و تاریک که پایین می‌رفت، بوی خاک و رطوبت به جنبش درآمد. هوای ساکن و خوفناک زیرزمین خیلی وقت بود با بوی بدن آدم قاتی نشده بود. روشنایی مُرده‌ای از پنجرک‌های مشبک و پوسیده به درون می‌خزید و روی طاقچه‌ها و رف خشتی می‌تابید. زنجیر آویزان از سقف سایه محوی روی دیوار انداخته و شیشه‌های بزرگ سرکه با گردن‌های باریک و دراز، غبار غلیظی گرفته بود. شیشه‌های کوچک با سرهای کنف‌بسته، ردیف شده بودند و پس از گذر سالیان، حالا دیگر نمی‌شد تشخیص داد که توی مایع کدرشان چه چیزی حبس شده. کار ساده بود چون آبمیوه‌اش را همانجا توی ماشین خورده بود و گیج و منگ از پله‌های زیرزمین پایین آمده بود. وقتی چنگک فلزی و زنجیز آویزان از سقف را دید شک را توی چشم‌های حیرانش دیدی. خواست برگردد که نتوانست. اول روی زانو افتاد. گوشی از دستش رها شد و محکم به زمین خورد. بعد بدن بی‌حالش همانجا روی زمین پهن شد. خودش را فقط کمی جلو کشید و دیگر نتوانست. با چشم‌های نیمه‌باز به کف تاریکی گرفته زمین نگاه می‌کرد و نفس می‌کشید. هنوز کفِ نمناک و سرد زیرزمین دراز کشیده. دست و پایش بسته است. کمی زمان بُرد تا بیدار شود. گذاشتنش روی صندلی کار تو نبود. با آن جثه سنگین و بدنی که مثل خمیر نانوایی، نرم شده و هر کاری بکنی شل و وارفته به سمت جاذبه زمین کشیده می‌شود...

دهانش را بسته‌ای. چنگکِ سرزنجیر را به طنابی می‌زنی که قوزک پایش را کبود کرده. بعد می‌روی سراغ دستکِ قرقره فلزی. زنگار گرفته و موقع کشیدن زنجیر صدای سرد می‌دهد و جگر آدم را ریش می‌کند. جثه‌اش کمی روی زمین کشیده می‌شود. پوست گونه‌اش ورمی‌آید و بدنش با انحنا بالا می‌رود. مثل کرمی غول‌پیکر و طناب‌پیچ می‌جنبد. دستک قرقره می‌چرخد و با ناله فلزی، بدنش را مثل آونگ سروته آویزان می‌کند. حالا بیدار شده. تقلا می‌کند. موهای نیمه بلندش خاک گرفته و به سمت زمین سیخ شده‌اند.

«یه کم دیگه حس می‌کنی چشمات دارن می‌زنن بیرون. الان همه خون بدنت راه افتاده و یواش یواش جمع می‌شه توی سرت» ناله می‌کند. می‌گویی: «تابستون سال ۸۹ دوتا دختر تو جاده کلات گم شدن. تا چندماه هیچ‌کس خبری ازشون نداشت. زمستون همون سال. توی ماشین پیدا شدن. زیر برف. جنازه هردوتاشون نصفه‌نیمه سوخته بود. همه جور بلایی سرشون آورده بودن. بعد توی ماشین سوزونده بودنشون ولی حساب برفو نکرده بودن. آتیش کم‌کم زیر برف خاموش شده بود... مویرگ‌های چشم‌هایش برآمده و سرخ شده‌اند. شبیه به خفاش‌هایی شده که در فیلم‌ها وارونه از شاخه درخت آویزان می‌شوند. نگاهت می‌کند. من یکی از اونام.» می‌زنی زیر خنده. با چشم‌های برآمده به سمت گوشی موبایلش که آن‌طرف‌تر روی زمین افتاده اشاره می‌کند. تقلا می‌کند و صداهای نامفهومی از دهان پارچه‌پیچش بیرون می‌آید. مدام صدایی شبیه به «اووففففی» را تکرار می‌کند.

«یه جایی خوندم چشم‌ها توی آتیش می‌ترکن. الان حتما حس می‌کنی سرت داره منفجر می‌شه. کافیه رگتو بزنم... می‌دونی چی میشه؟... پوف همه زیرزمین خون می‌پاشه.»

ناله می‌کند و نفسش از سوراخ‌های دماغش با نفیر بیرون می‌آید. «ولی من اهل اینجور بازیا نیستم. فقط خواستم سر به سرت بذارم.»

نایی برای تقلا ندارد. باز هم به سمت گوشی اشاره می‌کند. سرنگ را برمی‌داری و توی گردنش تزریق می‌کنی.

پرده دوم

نیمه‌شب در تاریکی پهلو به پهلو می‌شوی... صدایی دور و نامعلوم نمی‌گذارد بخوابی. مدام تکرار می‌شود. ناگهان به یاد می‌آوری. گوشی هنوز توی زیرزمین مانده و بر نداشته‌ای... پله‌ها را دوتا یکی می‌کنی. کوچک‌ترین خطا همه‌چیز را به هم می‌ریزد. خودت را شماتت می‌کنی و در تاریکی زیرزمین می‌بینی که نور صفحه روشن است و صدای زنگ خوردن گوشی همه جا را پر کرده. سایه مرد که از زنجیر آویزان است در تاریکی محو و شبح مانند به نظر می‌رسد. زنگ قطع می‌شود. نگاهت به صفحه می‌افتد. در آخرین لحظه که خاموش می‌شود عکس دو نوجوان را می‌بینی. مثل یک سیب نصف شده. شبیه به هم. خاموش می‌شود. گوشی را برمی‌داری و برمی‌گردی بالا. عکس بچه‌هایش را روی صفحه گذاشته و می‌خواست دلت را بسوزاند که آن همه اصرار داشت و سعی می‌کرد با پارچه توی دهانش بگوید گوشی. توی راه‌پله‌ها دوباره صفحه روشن می‌شود و باز عکس نوجوان‌های دوقلو را می‌بینی. متوجه می‌شوی عکس قدیمی است... همینجاست که شک می‌کنی.

«ادامه دارد...»

با اسکن کد قسمت دوم داستان را در اینجا بخوانید

با اسکن کد قسمت اول داستان را در اینجا بخوانید

سرهنگ قربانعلی قربانی، فرمانده انتظامی شهرستان گناباد:
مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر با همکاری پاسگاه زید این شهرستان حین کنترل خودروهای عبوری در محور گناباد به بجستان یک دستگاه کامیونت که فاقد بار و به مقصد کاشمر در حرکت بود را توقیف و در بازرسی از آن ۱۶۰ کیلوگرم تریاک کشف کردند. در این عملیات ۲ متهم دستگیر شدند.

جنون ثروت در بیراهه سرقت

حکایت ۳ مرد جوان که با اقدامی شیادانه به جای پول‌دار شدن، زندانی شدند

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

از خوشحالی در پوستشان نمی‌گنجیدند. با خودشان می‌گفتند که دوران بی‌پولی تمام شده و حالا می‌توانند مانند پول‌دارها زندگی کنند. از اینکه توانسته‌اند خیلی راحت به حساب مردم دست‌درازی کنند و از این راه مال و اموالی برای خود به‌هم بزنند، خوشحال بودند. اما با ورود پلیس ورق برگشت و خوشی‌هایشان زودتر از آنچه گمان می‌کردند به کابوس تبدیل شد و آخر سر هم به دام افتادند.

ماجرای این پرونده از یک بقالی کوچک و دخل خالی‌اش آغاز شد. مالک بقالی جوانی بیست‌وپنج ساله بود که تمام دغدغه‌های معیشتی‌اش را در دخل خالی مغازه‌اش جست‌وجو می‌کرد. به گفته خودش که بعدها در بازجویی‌ها اذعان کرد: «نمی‌دانم چرا هر چه بیشتر تلاش می‌کردم، درآمدم کمتر می‌شد. آن هم در شرایطی که همیشه مغازه‌ام باز بود.» مرد جوان در دل‌ها و وضعیت اسفبار زندگی‌اش را با دو رفیق بیست‌وهفت و سی‌وسه ساله‌اش در میان گذاشت و دنبال راه مطمئنی می‌گشت که تجربه ناموفق گذشته‌اش تکرار نشود، تجربه‌ای که از او یک سابقه‌دار تحت تعقیب ساخت. دوستانش از آشنایی در غرب کشور گفتند که با شگردی زیرکانه می‌تواند آن‌ها را سوار خَر مراد کند. اما این پیشنهاد روزگار تلخ و سیاهِ گذشته را جلوی چشمان جوان بیست‌وپنج ساله آورد و به راحتی شانه از زیر این کار خالی کرد. رفیقانش هم بی‌خیالش نشدند و با چرب‌زبانی و در باغ سبز نشان دادن بالأخره او را خام کردند. وسوسه پول زیاد و زندگی مرفه، لحظه‌ای رهایش نمی‌کرد. دوستانش او را مطمئن کردند که با شگرد آن‌ها اصلا کسی متوجه دست داشتنشان در ماجرا نمی‌شود و طی یک هفته چنان با آب و تاب از درآمد میلیونی و بادآورده برای او گفتند تا اینکه به این خواسته آن‌ها تن داد.

دوستانش که توانسته بودند نظر مثبت او را جلب کنند، بلافاصله دست به کار شدند و در تماس با آشنایشان در غرب کشور، تمام کارها را دونفره انجام دادند و حتی شگرد کار را هم در چند جلسه و به صورت آنلاین آموزش دیدند، جلساتی که از این کارآموزان ساده، خلافکارانی حرفه‌ای ساخت. آن‌ها در مدتی کوتاه توانستند سوار کار شوند و به راحتی کلاه قربانیانشان را بردارند.

یکی از مشکلاتی که خیلی زود برایشان دردسر شد، چگونگی نقد کردن پول‌های حاصل از کلاهبرداری بود. آن‌ها برای نقد کردن پول‌ها، اقدام به خرید ارز از صرافی‌ها می‌کردند و هزینه آن را از حساب قربانیانی که نمی‌دانستند چگونه حسابشان خالی شده، می‌پرداختند.

شکایت در تایباد سرنخ در مشهد

ورود پلیس فتا به پرونده، با شکایت یک شهروند تایبادی آغاز شد. پلیس متوجه شد که در یک تراکنش ۵۹ میلیون تومان از حساب این فرد کسر شده است. اولین فرضیه در این پرونده موضوع فیشینگ مطرح شد اما این فرد اصلا رمز دومی برای کارت بانکی‌اش نداشت که فیشینگ‌بازها بتوانند از آن سوءاستفاده کنند.

همان اول کار گرهی بزرگ در پیگیری پرونده افتاد و تبدیل به یک معما شد. کارشناسان پلیس فتای شهرستان تایباد برای اینکه متوجه شوند سرنوشت این پول‌ها چه شده و درنهایت به کدام حساب واریز شده است، استعلام‌های لازم را از مراجع ذی‌صلاح گرفتند و به یک صرافی در مشهد رسیدند.

شناسایی شگرد متهمان

با تلاش تیم تحقیقاتی پلیس فتای شهرستان‌های تایباد و تربت‌جام مشخص شد شاکیان دیگری با روشی مشابه مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند و پس از بررسی‌های تخصصی، کارشناسان به وجود دستگاه اسکیمر

عکس تزئینی است

تحقیقات از صرافی نشان داد که متصدی این واحد صنفی خود قربانی این پرونده است و با وجود واگذاری مقادیر چشمگیری ارز، مبالغی که به حساب منتقل شده سرقتی بوده و موجب مسدودی حسابش شده است.

چهره‌زنی افرادی که اقدام به خرید ارز کرده بودند، به عنوان مهم‌ترین سرنخ این پرونده کارآگاهان را از مشهد به شهرستان تربت‌جام رساند جایی که عاملان این اقدام مجرمانه در پستوی یک بقالی کوچک مخفی شده بودند و هر روز به دامنه شرارت‌هایشان می‌افزودند.

از پستوی مغازه تا زندان

متهمان که گمان نمی‌کردند به همین راحتی گرفتار شوند با وجود سرنخ‌هایی که از خود به جا گذاشته بودند دیگر نمی‌توانستند اقدامات مجرمانه خود را انکار کنند، از این‌رو تمام ماجرا را باز گو کردند.

متهم اصلی که جوانی بیست‌وپنج ساله است و دارای پرونده باز در یکی از استان‌های غربی کشور می‌باشد با اعتراف به نصب دستگاه اسکیمر در مغازه‌اش، تا کنون به چند مورد کلاهبرداری با این شگرد اعتراف کرده است که به دستور رئیس پلیس فتای خراسان‌رضوی، اقدامات لازم برای روشن شدن میزان دقیق کلاهبرداری او ادامه دارد.

سرهنگ جواد جهانشیری با تأکید بر لزوم حفظ رمزهای عبور به شهروندان هشدار داد که به تازگی وجود دستگاه‌های اسکیمر در سطح کشور زیاد شده است و تنها راه پیشگیری از برداشت غیرمجاز و کپی شدن کارت عابربانک، افشا نکردن رمز می‌باشد. بنابراین شهروندان فریب ارزانی‌ها و حراجی‌های بی‌دلیل را نخورند و هنگام کارت کشیدن در کارتخوان‌ها، رمز کارت را خودشان و در نهایت دقت و مراقبت از افشای آن، وارد کنند.

- دستگاهی که مجرمان با استفاده از آن و دور از چشم افراد اقدام به کپی گرفتن از اطلاعات کارت بانکی می‌کنند و این اطلاعات را روی کارت‌های خالی ریخته و با حفظ رمز کارت بانکی که معمولا خود مشتری‌ها اعلام می‌کنند، اقدام به خریدهای غیرمجاز می‌کنند- مشکوک شدند.

کارشناسان با کار تیمی و تلاش‌های فنی، موفق به شناسایی و دستگیری ۳ متهم شدند.

اخبار جهان

حکم اعدام برای شهروند استرالیایی

چین | ایرنا | دادگاه گوانجو چین برای «کام گیلسپی» شهروند استرالیایی به جرم قاچاق موادمخدر، حکم اعدام صادر کرد. بر اساس این حکم تمام اموال و دارایی‌های این شهروند استرالیایی توقیف شده است. حکم قاچاق موادمخدر در چین اعدام است و پیش‌تر دادگاه شهر جیانمن استان گواندونگ چین یک کانادایی به نام «رابرت لوید شلنبرگ» را به دلیل همدستی با یک شهروند چینی در قاچاق، تولید و توزیع ۶۳ کیلوگرم موادمخدر به اعدام محکوم کرد.

انفجار مهیب مرکز توزیع گاز

روسیه | تسنیم | یکی از ایستگاه‌های توزیع گاز در قازان روسیه به علتی نامعلوم منفجر و دچار حریقی مهیب شد. در اثر این حادثه یک نفر کشته و دو نفر دیگر زخمی شدند. این انفجار نیمه‌شب جمعه در ساختمان اپراتور ایستگاه انتقال گاز مایع در منطقه قازان رخ داده است که ۱۹۹ آتش‌نشان به همراه ۵۸ قطعه تجهیزات فنی و پهپاد برای خاموش کردن آتش وارد عمل شدند.

زیردریای اتمی طعمه حریق شد

فرانسه | میزان | یکی از زیردریایی‌های اتمی فرانسه در سواحل مدیترانه‌ای جنوب این کشور، دچار حریق شد. این زیردریایی در حالی که در بندر تولون لنگر انداخته بود، دچار آتش‌سوزی شد. به گفته مقامات فرانسوی زیردریایی حادثه دیده در حال تعمیر بوده و هیچ ماده یا سلاح اتمی سوار آن نبوده است. ده‌ها آتش‌نشان به کمک تیم‌های متخصص و یک کشتی آتش‌نشانی برای مهار این حریق به کار گرفته شدند.

جدول شماره: ۲۹۵۱

قصه‌گو	دومین پیامبر اولوالعزم	هوس آبستن غیر از آن										
قلیا / بزدل												
صدا / شرط‌بستن												
برادر پدر		پایداری در عهد										
فاصله مکانها	از خودگذشته / ناخن چهارپا		پس زدن	دفاع فوتبال / گروه الکل		بین‌دنیا و آخرت / عدد فوتبال		فراموشی / مدح / اما		امر به یافتن		از فیلمهایش / چروک پوست	ع
					ابدی / بچه گوسفند		جالیزی سبز / قایق		خدمتکار زن / پرهیزگاری		حرف تنفر / محبس		کشف ادیسون / شاداب
شگرد خاص	متولد		همراه تب / کنسرو ماهی		نام مردانه / شیربرنج			طفیلی / شوهرخواهر		هیکل / راندن از خود		نوعی بیماری / پوستی	
روغن عربی / عکس‌العمل							بندگی						
بله روسی / سودای ناله			پشه مالاریا				جعبه فلزی / خدای درویش				حرکت اسب شطرنج / روزها		نوعی میمون
						مقابل گران / سیمرغ						خطاط قرن ۱۱	ن
پایتخت کانادا	چشمه / پرخاش								فرومایه / گلوله		پوز جانور / مرده		
					الفبای موسیقی / ارجمندی			فیلم مهرجویی / همراهی عربی					
آبرو / بازیگرزن				نازا						فناشدنی			
											سربی مو		

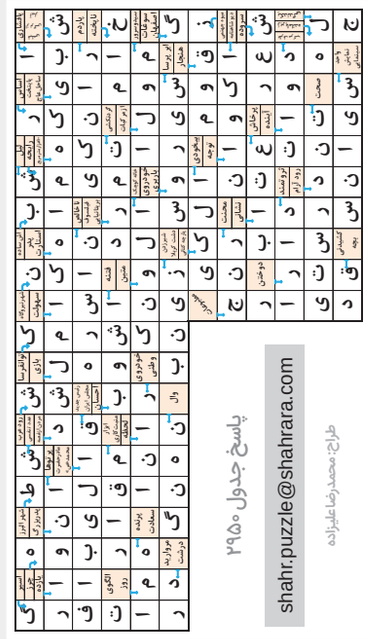

پاسخ جدول ۲۹۵۰
shahr.puzzle@shahrara.com
طراح: محمدرضا علیزاده

طراح: امیرعباس واسعی

مخاطبان گرامی نظرات و انتقادهای خود را در خصوص مطالب صفحه حوادث با ما در میان بگذارید

info@shahrara.com — رایانامه
۳۰۰۰۷۲۸۹ — پیامک
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰ — پیام رسان
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ — تلفن